



کد: ۸۹۴۰۴

رنگ در دکوراسیون داخلی

هومن زندیه کارشناس ارشد معماری (مدیر گروه دکوراسیون داخلی مرکز آموزش عالی فن آوران حکیم)

چکیده:

اکثر افراد با تغییرات ظاهری حاصل از تغییر رنگ آشنا هستند، اما چه تعداد از افراد به تغییرات به وجود آمده در فضا توجه می‌کنند؟ گاهی ما با فضاهای خاصی روبه رو می‌شویم که نیازمند راه حل هستند. رنگ، یکی از اثربارترین عناصر فضایی بر ذهن انسان است. همانطور که محصولات داخل قفسه های یک سوپر مارکت در رنگ هایی بسته بندی می‌شوند که توجه کمیته علمی | ۴۳ خریدار را جلب کرده و او را تشویق به خرید کنند. بنابراین چرا افراد در مورد استفاده از رنگ در محیط خانه مردد هستند؟

چرا فضای بی رنگ و خنثی برای عموم مردم ایله آل شده است؟ چرا ما از رنگ می‌ترسیم؟

اولین گام برای کنار گذاشتن ترس در استفاده از رنگ، فهمیدن تأثیرات روانشناختی آن بر روی انسان است.

افراد به علت عدم آگاهی از تأثیر رنگ ها و ترس از تغییرات تنها رنگ های سفید و خاکستری استفاده می‌کنند. اما با بکار گیری رنگ مناسب میتوانید خانه‌ی خود را تبدیل به محیطی شاد و دلپذیر کنید.

در این مقاله به معرفی رنگ های پردازیم و تأثیر هر رنگ را بر بهبود یا عدم بهبود کیفیت فضا بررسی می‌کنیم. تکنولوژی معاصر که ما را به استفاده از ترکیب بندی شدید رنگ ها سوق می‌دهد و کمیت رنگ ها و اصول کاربرد رنگ ها در فضاهای مختلف از این دریچه ارزیابی می‌شوند.

همین طوریه رنگ درمانی و موارد کاربرد آن و رنگ های مناسب با شرایط محیط اشاره خواهد شد.

-سرمایه-تعادل، تناسب و تداوم در محیط سه رکن اصلی است که باید در طراحی داخلی بسیار رعایت شود. به طور کلی تعادل از اصول اساسی هنر است. هنر در برقراری ارتباط با مخاطب نوعی تعادل را جست وجو می‌کند. تعادل در هنر به وسیله تقسیم بندی متوازن اجزا صورت می‌گیرد. رنگ، نور و بافت نیز در حفظ تعادل یا عدم تعادل نقش دارند البته تاکید زیاد بر تعادل موجب می‌شود اثر جذابیت خود را از دست بدهد و ایجاد کسالت کند. رنگ و بافت از مهم ترین عناصر اصلی دکوراسیون به شمار میرود. متمایز کردن یک اثر وقتی به خوبی انجام می‌پذیرد که بتوان با استفاده از رنگ و فرم توجه مخاطب را جلب کرد. بافت از دو نظر قابل بحث است؛ از نظر فرم و شکل که بتوان با جذب نور توسط جسم دارای بافت اهمیت فراوان دارد. تضادسطوح مات و خشن در کنار سطوح براق و صیقلی جذابیت فراوانی دارد و ایجاد جلوه بصریمی کند. بافت زیر و خشن قدرت جلب توجه فراوان دارد و برخلاف آن بافت های صاف و صیقلی معمولاً کمرنگ و بی جذبه هستند. نور یکی دیگر از مهم ترین عناصر در طراحی داخلی است. نورهای طبیعی و مصنوعی اثر متفاوت در محیط ایجاد می‌کنند. نقطه دید ناظر، مقدار نور که به آن می‌تابد و زاویه دید ناظر عواملی هستند که در تمام المان های داخل محیط باید رعایت شوند و ترکیبی مناسب و زیبا با هم داشته باشند و دارای طرحی خوب و استاندارد باشد. سورنلی در مقاله اش می‌نویسد: تضادها و کنتراست ها در آثار هنری منشاء ایجاد زیبایی هستند. فضاهای تاریک و روشن هر کدام جداگانه بر رنگ های موجود در طبیعت تأثیر می‌گذارند و توجه به این موضوع در چیدمان منزل از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سورنلی با تاکید بر استفاده از چرخه رنگ در دکوراسیون داخلی و اهمیت اینکه هر فردی برای اعمال شیوه های کاربردی دکوراسیون در محیط کار یا خانه اش باید به آن آشنا شی کامل داشته باشد همچنین آورده است: همان طور که زیبایی یک اثر هنری در این است که رنگ های مورد

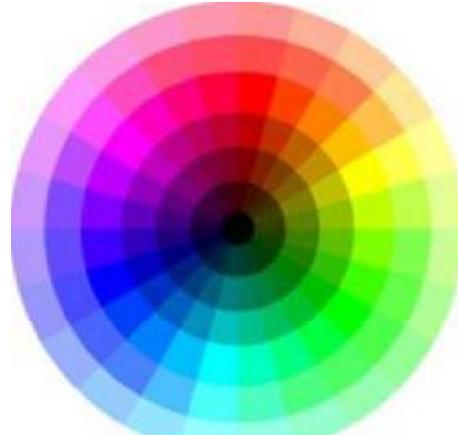


استفاده در آن به صورت یکدست و با یک بالا نس و هارمونی انتخاب شوند تا همه رنگ ها خودشان را در یک سطح نشان دهند، چیدمان داخلی خانه نیز مانی جلوه بصری پیدا می کند که اصل فوق در آن رعایت شده باشد.

در طراحی داخلی خانه همچنین توجه به این نکته که تاریکی و روشنی درجات مختلف دارند، ضروری است. رنگ های خاکستری می توانند مناظر اطراف و محیط زندگی ما را فعال کنند و حساسیت فوق العاده ای نسبت به اختلافات رنگ مایه ها به وجود آورند به طوری که با وجود رنگهای خاکستری اختلافات بین رنگ ها واضح تر تشخیص داده می شوند.

اهمیت علم رنگ آمیزی و نحوه به کار گیری آن در زندگی روزمره نشان دهنده این موضوع است که انسان هادر هر

موقعیت و مکانی که قرار گرفته باشند به نوعی خود را با رنگ و پدیده های آن مرتبط خواهند یافت. از محیط های کوچک کمیته علی | ۴۴ مانند اتاق خواب، اتاق نشیمن و آشپزخانه گرفته تا محیط های بزرگ تر و عمومی تر مانند ادارات، سالن اجتماعات و کنفرانس ها، مرآکرناپیش، رستوران ها، بیمارستان ها و مکان هایی از این قبیل همگی به نوعی وابسته به صنعت رنگ آمیزی هستند. همچنان که محققان و روانشناسان پیرامون خاصیت رنگ ها و نقش آنها در بهبود کیفیت زندگی صحبت کرده اند در صورتی که رنگ را از محیط پیرامون خود حذف کنیم دنبای اطراف دلگیر، خسته کننده و خالی از لطف می شود. از آنجا که درد کوراسیون داخلی عنصر رنگ حرف اول را می زند آشنا بی با چرخه رنگ و چگونگی کاربردن رنگ ها در سطوح مختلف اهمیت ویژه ای نزد طراحان و همچنین افرادی که خود قصد تعویض کوراسیون منزل یا محیط کار خود را دارند، خواهد داشت. منظور از رنگ های اصلی یاد را اول ، رنگ هایی هستند که معمولاً از ترکیب هیچ کدام از رنگ ها ساخته نمی



شوندبلکه رنگ های دیگر از ترکیب آنها با یکدیگر به وجود می آیند. آبی، زرد و قرمز سه رنگی هستند که رنگ های اصلی

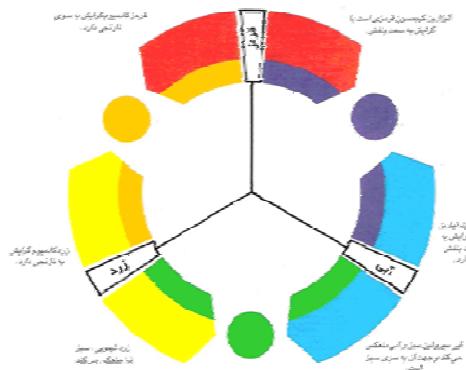
را تشکیل می دهند. رنگ هایی که در بازار به عنوان رنگ اصلی عرضه می شود با رنگ های اصلی کمی تفاوت دارند ولی در میان رنگ های مختلف، زرد (کادمیوم) با درجه تیرگی متوسط نزدیک ترین رنگ به زرد اصلی دایره رنگ است . قرمز(مجتنا) که از ترکیب قرمز کادمیوم و آیزارین به دست می آید به رنگ اصلی نزدیک است. آبی (سرا لئون) که از ترکیب آبی کبالت و اولترا مارین و مقداری سفید به وجود می آید به رنگ اصلی نزدیک است. رنگ های درجه دوم یا ثانویه از ترکیب دو رنگ اصلی ساخته می شود. مانند ترکیب زرد و قرمز که نارنجی می شود یا زرد و آبی - قرمز و آبیکه به ترتیب سبز و بنفش حاصل می کند. رنگ های درجه سوم نیز از مخلوط کردن رنگ های اصلی با رنگ های درجه دوم به دست می آید. این رنگ ها عبارتند از زرد نارنجی، قرمز نارنجی، قرمز بنفش، بنفش آبی، سبز آبی و سبز زرد که در کنار سه رنگ اصلی و سه

رنگ درجه دوم مجموعه رنگ های ۱۲ تابی رنگ را کامل می کنند. رنگهای آکسان: رنگ های تند و درخشانی که برای زنده کردن و انرژی بخشیدن به یک مجموعه‌نگی به آن اضافه می شوند، مانند رنگ صورتی تند چند کوسن و یک جفت شمع در یک اتاق نشیمن که با خانواده رنگ کرم رنگ آمیزی شده است.



۴۵ | کمپین علمی

رنگ زمینه رنگی است که در بزرگ ترین سطوح و به بیشترین میزان در یک فضا مورد استفاده قرار گرفته است مانند رنگ دیوارهای یک اتاق. رنگ زمینه، اغلب به عنوان پس زمینه ای برای سایر رنگ های به کار رفته در اتاق مورد استفاده قرار می گیرد و سایر رنگ های مانند رنگ های آکسان یا متضاد را در خود جای می دهد. رنگ های متضاد: تضاد باعث ایجاد وحدت و جذابیت در دیدار بصری شده و نیز عاملی برای انتقال اندیشه ها و احساسات به طرقهای ساده تر به بیننده است. عنصر تضاد در برابر عنصر هماهنگی ضمن ایجاد لذت بصری باعث ایجاد تعادل می شود. رنگ های متضاد در کنار هم تاثیری چشمگیر بر بیننده باقی میگذارند چنان که حتی پس از بستن چشم ها این تاثیر تا مدت کوتاهی در ذهن بیننده باقی ماند. این رنگ ها بهترین انتخاب ها برای فضاهایی هستند که کاربری کمتری دارند و شخص مدت زمان کمتری را در طول روز در آن می گذرانند.



رنگ های مکمل: این رنگ ها که در چرخه رنگ در برابر یکدیگر قرار دارند در کنار هم نمایی چشمگیر و معادل می آفینند. این رنگ ها هر گز از یک خانواده نیستند و حداکثر تفاوت را با یکدیگر دارند. رنگ بنفسو سبز مغز پسته ای و نیز دو رنگ فیروزه ای و نارنجی دو نمونه باز از رنگ های مکمل محاسب می شوند. برخی تصور می کنند نارنجی و سرخ متضاد هستند در حالی که در دایره رنگ کنار هم قرار می گیرند و دارای هارمونی هستند. رنگ های سرد، گرم و خنثی: رنگهای موجود در چرخه رنگی از لحاظ تاثیری که بر روح، روان و بر ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه ما می گذارند به سه دسته رنگ های گرم، سرد و خنثی تقسیم می شوند. رنگ های گرم به آن دسته از رنگ هایی گفته می شود که محرك سیستم عصبی هستند و احساسات ما را قوت بخشیده و تشدید می کنند. این رنگ ها همچنین رنگ هایی هستند که در همان برخوردها خستین،



تعداد ضربان قلب و هیجانات ما و همچنین توان انتقال سلول های انرژی را رادر بدن انسان ها به شدت افزایش می دهد.

تاثیرات اصلی این رنگ ها بر شاخه سیمپاتیک سیستم خود کار عصبی است.

رنگ های گرم بر فعالیت روزمره زندگی ما می افزاید و بهزندگی ضربانه نگ تند و شاد می بخشد. این رنگ ها فشار خون را بالا می برد، تنفس و ضربان قلب را تسريع بخشید و گرمی و حرارت را به بینته القا می کنند. رنگ های اصلیاً تر کیباتی از قبیل قرمز، نارنجی، زرد، سبز، قرمز - نارنجی، زرد - نارنجی (پرتقالی)، (بنفس متمایل به قرمز (قرمز - بنفش) در زمرة رنگ های گرم قرار میگیرند.

کمیته علمی | ۴۶

رنگ های سرد، رنگ هایی هستند که دارای تاثیرات آرام بخش بوده و حس لطافت، آرامش و کم تحرکی را به ما القا می کنند. این رنگ ها که تر کیباتی از قبیل آبی - سبز (فیروزه ای)، سبز مایل به آبی، آبی - بنفش، بنفس متمایل به آبی (آبی - بنفس) و آبی را در خود دارند به طور مستقیم بر شاخه پاراسمپاتیک سیستم عصبی خود کاراژر می گذارند و موجب پایین آمدن فشار خون و کاهش سرعت تنفس و ضربان قلب می شوند. رنگ های سرد، ساده و بی تکلف هستند و انتخابی مناسب برای محیط کار و اتاق خواب کهدر آن به آرامش نیاز است به شمار می روند. به لحظه بصری، رنگ گرم پیش می آید و رنگ سرد پس می نشیند. رنگ های خنثی اعم از سیاه، سفید، خاکستری بژ و قهوه ای رنگ هایی هستند که در طیف رنگی و چرخه رنگ جایگاهی ندارند و از ترکیب رنگ های دیگر به وجود می آیند و اصولاً سیاه و سفید رنگ محسوب نمی شوند و خاکستری که از ترکیب سیاه و سفید به وجود می آید جزء دسته رنگ های خنثی است. به این دسته رنگ ها بی رنگ های نیز می گویند. انتخاب رنگ های خنثی و ترجیح دادن مکرر آن به رنگ های دیگر از نظر روانشناسی نشانه ای از یک نقطه نظر منفی نسبت به زندگی است. کسانی که گرایش به این رنگ ها دارند معمولاً انسان های اندوهگین، افسرده و نالمید هستند اما این رنگ ها از خصوصیات مثبت هم در مواقعي برخوردار هستند از جمله اینکه بهترین انتخاب برای فضاهای آموزشی که در آن نیاز به تمرکز بیشتر برای دانش آموزان و آموزگاران وجود دارد، هستند. رنگ های هم پرده: اینها رنگ هایی هستند که زرد پر رنگ و آبی پر رنگ. این رنگ ها لزوماً از یک خانواده نیستند بلکه هر دو دارای میزان مساوی از رنگ قرمز یا آبی هستند و هیچ یک بر دیگری غلبه نمی یابند. در ترکیب رنگ ها در کوراسیون توجه بهاین که رنگ ها در یک مکان خاص و در کنار سایر رنگ ها زیبا هستند، ضروری است. تنها عنصر علاقه نمی تواند به شما در رنگ آمیزی دکوراسیون کمک کند چون امکان دارد رنگی که شما برای اتاق نشیمن می پسندید در درازمدت موجب دلزدگی شده و مکان را برای شما غیر قابل تحمل کند بنابراین بهتر است قبل از هر گونه اقدامی برای تغییر چیدمان محیط سکونت خود هنگامی که رنگ های مورد پسندتان را انتخاب کردید با استفاده از مداد رنگی، مداد شمعی، آبرنگ یا هر سیله رنگ آمیزی دیگری که در اختیار دارید آنها را در کنار هم روی یک قطعه کاغذ سفید آزمایش کنید سپس به چرخه رنگ مراجعه کرده و با استفاده از آن رنگ مورد نظرتان را یافته و رنگ منتخب خود را در کنار آن امتحان کنید.

همگان می دانیم که افراد مختلف به رنگ های خاصیت مایل نشان می دهند. استفاده از این تمایل اشخاص به عنوان وسیله ای برای تشخیص شخصیت آنها موضوع بحث انگیزی است، چرا که افراد با یکدیگر تفاوت دارند. هر یک از مخصوصیات شخصی خود را داریم و احساساتمان را به سبک و سیاق خاص خود بیان میکنیم. در جهان نمی توان دو نفر را یافت که در ابراز احساساتشان پیرو شیوه یکسانی باشند. از طرف دیگر احساسات افراد به طرق مختلف قابل تضعیف و تحریک است و مثلاً با تغییر محیط ای که در آن زندگی می کنند، به سبب الگوهای روانشناسی به نتایج بهتری در ایجاد شادابی، صمیمیت،

آرامش افراد خانواده دست یافت. ویژگی های خیابان و کوچه ایکه خانه ما قرار دارد، ترکیب حجمی، نورگیری، تقسیم بندی فضاهای داخلی، مبلمانداخالی، نحوه رنگ بندی و حتی مقیاس به کار رفته همه و همه به عنوان فاکتورهای مهمیاری تعريف یک مسکن مناسب عمل می کنند. ویژگی های فرهنگی، نوع روابط خانوادگی و حریم های اجتماعی و غیره از جمله عواملی هستند که نیاز های روحی و جسمانی ساکنین را تعريف می کنند و وظیفه یک طراح داخلی است که تعاملی محکم بین موارد پاد شده با جنبه های عملکردی فضا، برقرار سازد.

رنگ هامی تواند به شیوه های مختلف تاثیراتی بنیادین در زندگی بر جای گذارند که از جمله هم تمرين آنها می توان به تاثیر آنها بر احساسات اشاره کرد. جهانی که انسان در آن زندگی می کند، مشکل از هزاران رنگ و توانایی های مختلفی است که مبتنی علی ۴۷ که موجودات و اشیا رابرای ما جذاب تر و حتی به گونه ای معنوی، عمیق تر نشان می دهد. هر کدام به سببیژگی های شیمیایی و روانشناسانه ای که دارا هستند، منع مهمی از انرژی، در چهنترونی سلامت و نشاط روح و روان در انسان ها به شمار می روند. جهانی تک رنگ، باتوانایی های محدودی را با طبیعت اطراف خویش مقایسه کنید و یا خود ساکن شهری سیاه و سفید بدانید، بدون هیچ کنتراستی و هیجانی. معانی زندگی تغییر یافته و سردی و مردگیر همه جا حاکم می شود. فضایی بی روح و عاری از هر جنب و جوشی که تشنگ جرعه ای رنگاست. مساله رنگ به سبب تاثیرات مهم روانشناسانه اش، در مقوله شهر و فضاهای معماریامری مهم به شمار می رود؛ تا بدانجا که تخصصی با عنوان رنگ بندی و رنگ شناسی فضاهای شهری در بین هنرمندان مطرح شده است. هماهنگی در رنگ مثل هماهنگی در نت های موسیقیاست و از اهمیت ویژه ای در ایجاد هارمونی مناسب و چشم نواز به مانند قطعه موسیقی خوردار است. برای رسیدن به اهدافی همچون کارکرد مناسب، زیبایی بصری، هارمونی فضایی، و تأثیر محیطی و روانی مؤثر و مثبت در طراحی داخلی، مستلزم استفاده هماهنگ، منسجم، معنی دار و زیبا از عناصر طراحی است. در یک طرح مطلوب همه عناصر و اجزاء درنیست به تاثیرات کیفی و معنایی که به فضا اعمال می کنند در ارتباطی تنگاتنگ با همقرار دارند. بر این اساس، موفقیت هر طرح بستگی کامل به چگونگی ترکیب عناصر والگوهای سه بعدی فضا دارد. تجربه سالیان دراز کار با رنگ ثابت کرده است که رنگ هایی مثل انسان ها، از جهات مختلف با یکدیگر مرتبط اند و سلیقه ها و صفات مشترک دارند و یا بر عکس ناهموان و متضاد یکدیگرند. شاید تصور کنید که نارنجی و سرخ متضاد همند، در حالی که در دایره رنگ کثار هم قرار می گیرند و دارای هارمونی هستند. خریدنیک دایره رنگ، که در آن نحوه ارتباط رنگ ها و چیدمان آنها و رنگ های مکمل مشخص شده است و در اکثر فروشگاه های لوازم هنری وجود دارد، با ارزش است تا قبل از خریدن زرد گریپ فوروتی و سبز زیتونی برای رنگ کردن اتاق خواب، نگاهی به آن بیندازیم.

رنگبندی اتاق ها و استفاده از مصالحی که بتواند خصوصیات رنگی و بافت مورد نظر ما را برابر آورده سازد بسیار مهم و در عین حال قدرت اعمال نفوذ بر تغییرات کالبدی فضا را نیز دارداست؛ کارهایی که برای تعدیل و تقسیم بندي دیواره های رنگی انجام می گیرند میتواند به عنوان ایده ای برای تعیین کالبد فیزیکی فضای نیز عمل کند و جنبه های کاربردی طراحی را با معیارهای زیبا شناختی همراه سازیم. به عنوان مثال مساله روشنایی استفاده از نور طبیعی در طراحی یک اتاق بسیار مهم است ولی نحوه کنترل نور، انتخاب رنگ و مصالحی که نور را از خود عبور می دهند به خلاقیت و قدرت طراح در ایجاد هماهنگی که وی بین کار کرد روشنایی، اتاق و مطابق است فضای سرتگی دارد.

استفاده از چرخه رنگ، روشی مطمئن برای یافتن رنگ های متناسب با رنگ مورد نظر ماست. چرخه رنگ مشکل از دوازده رنگ است که سه رنگ قرمز، زرد و آبی در آن رنگ های اولیه و رنگ هایی میان آنها به عنوان رنگ های ثانویه شناخته می شوند. هر رنگ در این چرخه می تواند بارندگ های کناری خود که رنگ های هم خانواده اش محسوب می شوند و همچنین رنگ مقابله کننده آن است به خوبی ترکیب شده نتیجه ای زیبا و موزون یافریند. استفاده از رنگ های هم خانواده که



هایش تخصصی معماری، کورسون داخلی و مطر (اصفهان - ۱۳۸۹ - عسفان)

امنیتی ایران

در چرخه رنگ در کنار هم قرار گرفته و به اصطلاح همسایه هستندتر کیبی ملایم و هماهنگ را ایجاد می کند که نگاه بیننده را به راحتی از یکی به دیگری همدون می شود. استفاده از یک رنگ با میزان کمی از رنگ مکمل آن چنانچه به درستی و در اندازه های صحیح صورت گرفته باشد نتیجه ای درخشان و چشمگیر می آفریند و بر جذابیت مجموعه رنگی حاضر می افزاید و مانع غالب شدن کامل یک رنگ بر فضای اتاق میشود.

چنین عواملی در انتخاب رنگ برای بناها، دکوراسیون داخلی و مبلمان فضا را ویکرد های مختلفی را در طراحی ایجاد می کند. رنگ یکی از عوامل تعیین کنند سبک و سیاقی است که بدان طریق با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می کنیم و بیشتر از هر عامل مستقل دیگری می تواند فضای کسالت بار و یکنواخت اطراف را به مکانی روح بخشمبدل سازد. عوض کردن کمیت علمی | ۴۸ رنگ دیوارها می تواند بیش از تغییر مبلمان یا حتی ساختار یکاتاق، نتایج چشم گیری به بار آورد. تا کنون خانه های بسیاری به رنگ بژ و کرمی و تالیله های آن رنگ آمیزی شده اند و رنگ استاندارد معمول برای خانه های جدید مگویلایی است اما باید تصور نمود که در شرایط مختلف اجتماعی و به خصوص اقلیمی، چگونه باید از این رنگ ها استفاده کرد و یا دیوارهایی به رنگ های ملایم و نامحسوس ممثل استخوانی، برای زندگی کردن بسیار مناسبند؛ اما ایجاد کنتراست در آنها با انتخاب رنگ های خاص در لوازم جانبی منزل و روکش ها و رومبلی ها باعث روح بخشی به فضا میشود.

برای آنکه بتوانیم ارتباطی درست میان طبیعت خود با دکوراسیون داخلی خانه را سازیم، باید بیاموزیم که ترس از متفاوت بودن با سایرین را از خود برانیم؛ مشکلی که امروزه بسیار با آن در گیریم و بسیاری از طراحی های معماری و داخلی را تحتالشعاع قرار می دهد. نمی توان در جامعه ای سیاه و سفید، تفکری رنگی داشت و فرداییهتر را تصور کرد. غالباً خود را در حصاری از رنگ هایی به تحمیل عرف و جامعه «معقول» («بی روح») و بی رمق قرار می دهیم، رنگ هایی که مانع از بروز احساسات و نمایان شدن خود واقعی می گردند. به منظور کمک برای ایجاد فضایی مطلوب و دلنشیں در محیط زندگی خود و بهره گیری هر چه بهتر از رنگ ها، لازم است اطلاعات گسترده تری درباره ارتباطات فردی خویش با رنگ ها تایل شویم و مواردی را در ک کنیم که علاقه مندی یا بیزاری به رنگ های خاص را در مورد ما آشکار می سازد. با بذل توجه بیشتر به قدرت رنگها در خانه های خود ممکن است از آنچه به واسطه این کار نمایان می شود به شکلی خوشایند یا ناخوشایند غرق حریت شویم. رسیدن به ترکیب رنگ مناسب در اتاق، لباس و یا هر مورد دیگر، نه فقط جلب توجه می کند که حالتی از اطمینان و آرامش را نیز القا میکند.

کار موثر با رنگ بیش از همه به تحریک حس خلاقیت نیازمند است. به دست آوردن ترکیب رنگ مناسب که درست با منظور و هدف فرد، منطبق باشد خود به نوعی «آفرینش» (محسوب می شود).

برای بدست آوردن چیدمانی مناسب از رنگ ها در فضاهای داخلی گام های اولیه زیر ضروری است:

۱. آن مطلبی را که با زبان رنگ می خواهید به بیننده بگویید در اندیشه خود آماده داشته باشید.

۲. یگ رنگ اصلی که سخن گوی پر قدرتی برای بیان آن مطلب باشد، پیدا کنید.

۳. رنگ های دیگری که در اطراف آن می چینید، باید در هماهنگی کامل باشد.

۴. آنگاه به عنوان یک رهبر طرح وارد شده و این بار سلیقه هنری خود را در چیزی این ابزار های فنی دخالت دهد.

به کاربردن رنگ در فضاهای ویا مبلمانی ساده معمولاً نیازمند مهارت زیاد و گران قیمت نیست. یک طراح معماری خوبی تواند بسیاری از نیازهای محرك روانی با استفاده از مطالبی که گفته شد و اندیشه خلاقیت در جهت رفاه مصرف کنند گان به کار گیرد؛ مخصوصاً به وسیله گوناگونی و اجتناباز تک رنگ بودن .